

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

سرمایه داری نظامی ضد زن است!
علیه فرودستی زن، برای یک برابری سوسیالیستی!

در باره سیاستهای اقتصادی ترامپ،
جهان به کدام سو میرود؟

سیاوش دانشور

صفحه ۴

اعلامیه حزب حکمتیست

جمهوری اسلامی جنایتکار و زورگیر اصلی است!

صفحه ۸

در آستانه ۸ مارس با پرچم همبستگی و همسرنوشتی زنان!

صفحه ۹

ملکه عزتی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با حکم مجدد اعدام شریفه محمدی فعال کارگری

صفحه ۷

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۸ مارس، نماد رزم زنان برای رهایی

صفحه ۱۱

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم هیئت تحریریه

۷۹۱

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۳ اسفند ۱۴۰۳ - ۲۱ فوریه ۲۰۲۵

فراخوان حزب حکمتیست

علیه زن گُشی و زن آزاران

متحد و قاطع عمل کنیم!

جامعه ایران صحنه پدیده های متناقض است؛ از سوئی بزرگترین خیزش انقلابی زنانه در آن عروج میکند و از سوی دیگر با رواج روزافزون "زن گُشی" روبروست. واضح است ایندو یک وزن ندارند، در یک سطح و یک موقعیت هم نیستند. اولی، یعنی خواست آزادی و برابری زن و مرد و نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، جنبشی ریشه دار علیه وضع موجود و رژیم اسلامی است. دومی، یعنی زن گُشی و زن آزاری، با اتکا به قانون و دین اسلام و تبلیغات مذهبی ضد زن، از رانت و سوبسید حکومت حافظ مردسالاری بهره میجوید. اولی، به آینده تعلق دارد و جنبشی برای دفن رژیم اسلامی و یک تاریخ طولانی ضدیت با زن است. دومی، به گذشته تعلق دارد، در مقابل موج قدرتمند تغییر مقاومت میکند، دست و پا میزند و در پناه قانون اسلامی جنایت میکند.

قتل و آزار سیستماتیک زنان، اساساً حکومتی است اما فرهنگ ضد زن و مردسالاری و مقاومت در مقابل آزادی زن لایه ای ضخیم از جهالت تاریخ بشر را حمل میکند. در این اوضاع است که زن کُشی در ایران به بهانه های مختلف اوج گرفته است؛ از سربریدن دختر توسط پدر تا کارداجین کردن توسط

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دست زن کشان از زندگی زنان کوتاه!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱ اسفند ۱۴۰۳ - ۱۹ فوریه ۲۰۲۵

فراخوان حزب حکمتیست

علیه زن کشی و زن آزاران متحد و قاطع

عمل کنیم!



خانواده و همسر و برادر، از بهانه دفاع از "ناموس" و "شرف" تا نارضایتی از غذا و بگومگوی خانوادگی، از تعرض خیابانی سرکوبگران حکومتی به زنان و قتل و تجاوز در زندان تا زورگیری و تعرض اوباش و لمپن ها، از کارخانه تا خانه و خیابان؛ زن قربانی نظم و قوانین ضد زن است. پدیده زن کشی و رشد سرطانی آن بدون پیشینه نیست و در متن این اوضاع صورت میگیرد.

برای تخفیف و رفع این معضل مهم اجتماعی، انتظار از دولت و نهادهای حکومت اسلامی، توقع از مسببین و عاملان آپارتاید و زن ستیزی توهمی مهلک است. مقابله با زن آزاری و زن کشی را به سرنگونی حکومت و استقرار نظامی بهتر موقوف کردن، نیز رفع تکلیف از امر روز و رها کردن زنان در منگنه زن کشی و زن آزاری است. با منطق "همه یا هیچ" نمیتوان سراغ هیچ مسئله ای رفت. راه چاره اعمال قدرت مستقیم و سنگربندی عملی در مقابل این توحش است. باید پایه های جامعه آزاد و تحقق امنیت اجتماعی زنان را از همین امروز و در متن مبارزه جاری برای نفی اوضاع کنونی بنا نهاد و تحکیم کرد. باید علیه زن کشی و زن آزاری صفا محکم ایجاد کرد و عمل زن کشی و شکنجه و آزار زنان را با عمل انقلابی پاسخ داد. نباید گذاشت به نام ما، به نام مردان، به نام فرهنگ، کثیف ترین و شنیع ترین و ارتجاعی ترین اعمال علیه زنان صورت گیرد. نباید اجازه داد زن کشان و زن آزاران در پناه قانون اسلام و حمایت آخوند و فرهنگ واپسگرا راست راه بروند و به ریش مبارزه برای آزادی و برابری زن و مرد بختند. باید همین امروز، دستانی را که مبادرت به کشتن زن میکند شکست. باید همین امروز ارتجاع ضد زن را در هر قلمرو نبرد اجتماعی عقب راند.



فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به زنان و مردان انقلابی، به کمونیست ها، به آزادیخواهان و برابری طلبان، به همه کسانی که مردسالاری و زن آزاری و زن کشی را دهن شان خود میدانند؛ اینست که با ابتکارات مختلف در مقابل این موج ارتجاعی سدی محکم ایجاد کنیم، متحد و قاطع عمل کنیم، سلولهای دفاع از امنیت زنان ایجاد کنیم، زن کش ها و زن آزاران را گوشمالی دهیم و مجازات کنیم. هیچ زنی نباید احساس تنهایی کند، جامعه نباید این توحش و حقارت عمومی را تحت عنوان "فرهنگ و ناموس" بپذیرد، هیچ زن آزار و زن کشی نباید احساس امنیت کند. وقت آنست یک گام فراتر برویم و برای امنیت زنان در محل کار و زندگی و مدرسه و دانشگاه و خیابان اقدامی عملی در دستور بگذاریم.

جنبش آزادیخواهانه نمیتواند و نباید این وضعیت را تحمل کند. زن کشی به عهد عتیق تعلق دارد و باید دفن شود. زن کشان باید بدانند که در مقابل عدالت انقلابی نخواهند جست. زن آزاری و تعرض فیزیکی و جانی به زن از نظر ما سنگین ترین جرم تلقی میشود.

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

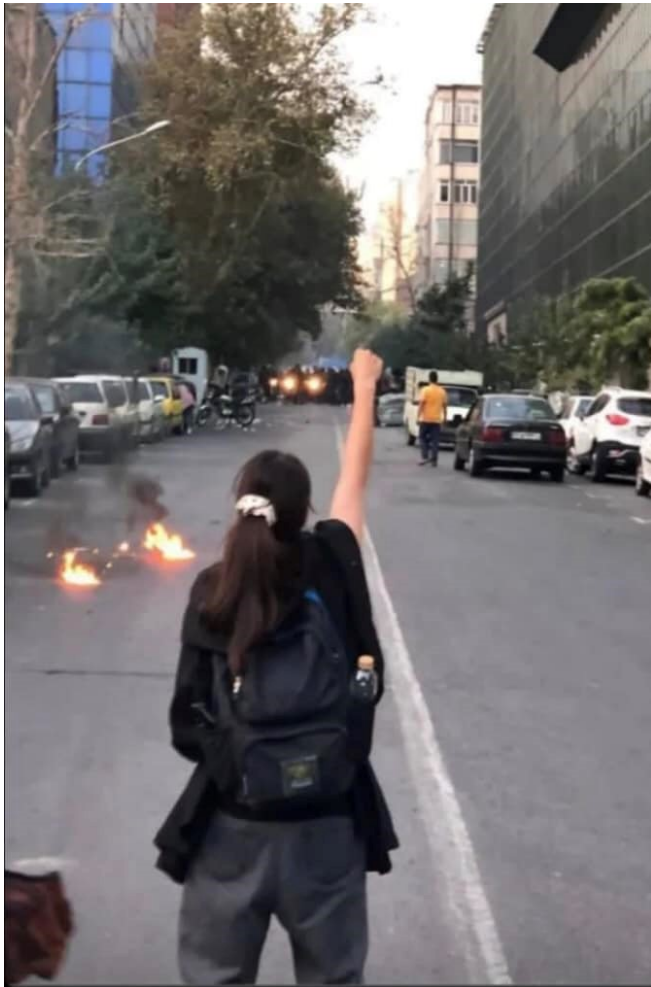
مرگ بر جمهوری اسلامی!

ایجاد شکاف میان آحاد طبقه کارگر ارکان اساسی آنست، آزادی زن از انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگ و اخلاقیات متحجر سرمایه داری ممکن نیست. کسب برابری حقوقی و پیشرفتهای تیکنون حاصل شده در بخشی از کشورهای جهان، نه از ترقیخواهی بورژوازی بلکه نتیجه مبارزات شکوهمند زنان و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن در تحولات جاری است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مردم آزادیخواه را در روز جهانی زن به اعتراض علیه حکومت ضد زن و برگزاری مراسمها و اجتماعات روز زن فرامیخواند. ضروری است که نسل جوان و انقلابی علیه پدیده فوق ارتجاعی زن کشی سد محکمی ایجاد کنند. زن کشی سیستماتیک اخیر زیر سایه رانت قوانین اسلامی و علیه روند مبارزه انقلابی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همراه با جنبش بین المللی حقوق زن، ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی میدارد.

برابری بیقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی!
حجاب را آتش بزنید، نابود باد آپارتاید جنسی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۰ بهمن ۱۴۰۳ - ۸ فوریه ۲۰۲۵



اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

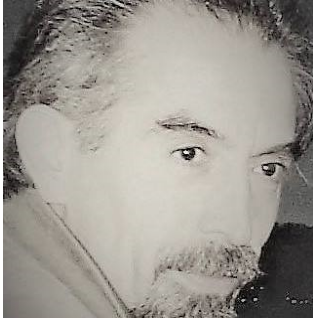
سرمایه داری نظامی ضد زن است! علیه فرودستی زن، برای یک برابری سوسیالیستی!

در قرن بیست و یکم، از آمریکا تا اروپا، دموکراسی و انتخابات مکانیسم قدرتگیری روزافزون فاشیستها شده است. اعمال قوانین ضد زن، حمله به دستاوردهای طبقه کارگر، میدان دادن به مذهب و مردسالاری و ناسیونالیسم و بیگانه گریزی، به صدر سیاست بورژوازی رانده شده است. ساختارهای بعد از جنگ دوم جهانی از نظر بنیان آن بی اعتبار شدند و میلیناریسم و توسعه طلبی امپریالیستی چهارچوبی برای بازسازی نظم کهنه و رقابت دولتهای سرمایه داری اند. در کشورهای تحت سلطه از خاورمیانه تا شمال آفریقا، نیروهای از گوربرخاسته مذهبی در کار احیای بردگی و جنایت سازمانیافته اند. دنیای امروز صحنه تهاجم سرمایه به هر جلوه ای از حق و آزادی انسانهاست. اما این یکطرف تصویر است؛ مقاومت و مبارزه، برآمدهای توده ای و انقلابی، اعتصاب و اعتراض علیه وضع موجود، سیمای دیگر جهان امروز است. در آستانه روز جهانی زن میلیونها نفر در آمریکا و اروپا علیه فاشیسم و سیاستهای ضد زن بمیدان آمده اند. خاورمیانه تنها صحنه نسل کشی دولت اسرائیل، زن کشی طالبان در افغانستان و رژیم اسلامی در ایران و ارتجاع مذهبی و قومی منطقه نیست. جنبش طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، نسل جدید، تمایلات سکولاریستی و سوسیالیستی، سنگرهای مقاومت و پرچم تغییر انقلابی اند.

در ایران برآمد انقلابی و زنانه ۱۴۰۱ خود را به سنت ۸ مارس ۱۳۵۷ وصل میکند. زنانی که علیه فرمان حجاب خمینی در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ در تهران با شعارهای؛ "ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم"، "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" بمیدان آمدند، در شهریور ۱۴۰۱ با به آتش کشیدن حجاب اسلامی میخ دیگری بر تابوت رژیم اسلامی کوبیدند. جنبشی که طی ۴۵ سال مبارزه و مقاومت، حجاب اسلامی این بیرق آپارتاید جنسی را دوفاکتو لغو کرد، می رود که نظم آپارتاید و قوانین اسلامی را برای همیشه دفن کند. در شرایطی که نمایندگان دموکراسی غربی از جریانات اسلامی و احیای ارزشهای مذهبی حمایت میکنند، در جامعه ایران برابری طلبی، آنتی اسلامیسیم و رادیکالیسم، یک گرایش قدرتمند خیزش انقلابی زنانه است. این خصوصیات به سنت سوسیالیستی ۸ مارس تعلق دارد. امروز راه حل سوسیالیستی مسئله زن به راه حل سوسیالیستی نجات جامعه ایران گره خورده است. نیروها و جریاناتی که رفع ستم فوری بر اساس جنسیت را غیرممکن و یا موکول به محال میکنند، در تداوم و بقای فرودستی زن ذیفعند. ما برای بهبود فوری حقوق زنان در خانواده و محیط کار و اجتماع و برای نفی مبنای تبعیض و نابرابری در جامعه مبارزه میکنیم.

حکومت آپارتاید جنسی مورد انزجار عمومی است، جامعه آبیستن تغییر انقلابی است، زنان مظهر خود را بر سیاست کوبیده اند، جمهوری اسلامی رفتنی است. نظامی که نیمی از جامعه را بدلیل جنسیت شان مورد تبعیض قرار میدهد، ضد انسانی است. نظامی که آپارتاید جنسی و نژادی را به رکن مناسبات اجتماعی بدل کرده است و حقوق و هویت اولیه انسانها را انکار میکند، فاشیستی است. نظامی که در آن خشونت و جنایت علیه زنان بیداد میکند و این بردگی را مبنای کسب سود سرمایه کرده است، باید سرنگون شود. در نظامی که تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی، استثمار فرد از فرد و

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



خود ترامپ و امثال وی در کشورهای دیگر، عروج راست افراطی و عقب راندن دیگر نیروهای کلاسیک بورژوازی، محصول این نیازند و در خود معرف زمانه نیستند. بنابراین خلیات باصطلاح غیرقابل پیش بینی و شخصیت تاجرگونه ترامپ توضیح دهنده واقعی این خط نیست، بلکه نیازهای بورژوازی

امروز و سوالات محوریش توضیح دهنده فلسفه وجودی ترامپ و رشد جریانات مشابه در اروپای قاره است. تاریخ بار دیگر تکرار میشود؛ دمکراسی و پارلمان قابل فاشیسم است. در جایی که مهد دمکراسی فاشیسم میزاید، معلوم نیست دمکراتهای "جهان سومی" دنبال کدام دمکراسی هستند؟ در جایی که "بی بی" نتانیاهو و "عمو" ترامپ، آیدول دمکراتهای "وطنی" است، دیگر صحبت از "دمکراسی و حقوق بشر" تنها یک حقه بازی سیاسی نیست، بلکه اعلام تعلق صریح و بی پروا به یک کمپ دست راستی فاشیست در مقیاس جهانی در مقابل کارگر و کمونیسم است.

از پروتکشنیسم تا مرکانتلیسم

سیاست‌های اقتصادی ترامپ، بستن عوارض و تعرفه به واردات با جهتگیری "مگا" و حمایت از تولید داخلی در آمریکا و تقابل با چهارچوبهای هزینه بردار جهانی که گلوبالیستها مدافع آنند، با چهارچوبهای پروتکشنیسم و ناسیونالیسم اقتصادی تباين دارد. موارد اخیر راجع به وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر فولاد و آلومینیوم وارداتی از کانادا، مکزیک، چین و چند کشور دیگر، با سیاست‌های بازار آزاد و تجارت آزاد و پیمانهای مترتب بر این روند در تقابل قرار دارد. اینجا، برخلاف سیاستهای اقتصادی موسوم به "درهای باز"، پروتکشنیسم به معنای محدود کردن واردات و حمایت از صنایع داخلی از طریق موانع تجاری مانند تعرفه‌ها و محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای است. اعمال تعرفه تجاری بر واردات در دور اول ریاست جمهوری ترامپ، در برابر چین در مارس ۲۰۱۸ و وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات فولاد و ۱۰ درصدی بر واردات آلومینیوم بود. در ماههای بعد همانسال، تعرفه بر واردات ماشین آلات صنعتی و تجهیزات الکترونیک نیز به ۲۵ درصد افزایش یافت و حدود ۳۴ میلیارد دلار از کل واردات از چین را شامل میشود. این اقدامات جنگ تجاری بین چین و آمریکا را تشدید کرد و چین نیز به اقدامات مشابه روی آورد. هدف این جنگ تجاری رسیدن به تراز و بالانسی در تجارت بود که همواره و طی سالهای طولانی به ضرر آمریکا بود. این سیاست ترامپ شامل واردات کالاها از همه کشورها با درصدهای مختلف میشد اما از آنجا که چین بالاترین سهم را دارد، تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی از چین با ارزشی بالاتر از ۲۰۰ میلیارد دلار را شامل میشد که از ۱۰ درصد تا ۲۵ درصد اعمال میشد. نهایتاً این جنگ تجاری به توافقنامه ای منجر شد که سهم چین از اختلاف تراز تجاری را بدرجه ای جبران کند و چین متعهد شد طی دو سال یعنی سالهای ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ در قیاس با سال ۲۰۱۷ حدود ۲۰۰ میلیارد دلار کالاهای آمریکایی خریداری کند. هدف ترامپ از اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات از کشورهایی مانند چین، اتحادیه اروپا و مکزیک، بهبود تراز تجاری آمریکا و کاهش وابستگی به تولیدات خارجی بود. ترامپ مرتباً میگفت که از این طریق میتواند اشتغال در داخل کشور را

صفحه ۵

در باره سیاستهای اقتصادی ترامپ،

جهان به کدام سو میرود؟

سیاوش دانشپور

میگویند انتخاب ترامپ در همین فاصله کوتاه یک زلزله سیاسی جهانی را ببار آورده است. مفسران رسانه‌ها و بسیاری از ناظران از عنوان "ترامپیسم" برای توضیح جهتگیریهای سیاسی و اقتصادی دونالد ترامپ استفاده میکنند بدون اینکه توضیح مستدلی برای آن ارائه کنند. بعنوان مثال تاجرپس و ریگانیسم در دهه هشتاد، چهارچوب و خط مشی سر و ته داری از جوانب مختلف سیاسی و اقتصادی و مدل انباشت و آینده ای بود که در دنیای آنروز تصویر میشد. "ترامپیسم" در دوره اول، به طرح سیاستهای پروتکشنیستی و مخالفت سیاسی و تبلیغاتی با ارکان دو حزب حاکم آمریکا و اساساً حرکتی سیاسی برای جلب نیرو بود. "ترامپیسم" در دور دوم، معانی کنکرت تری دارد اما هنوز آن چهارچوب معرفه را ندارد و بیشتر حرکتی سلبی در دنیای سرمایه داری قرن بیست و یکم است که با مصافهای تعیین کننده روبروست. بحث اصلی این یادداشت جدل برسر ترم ترامپیسم نیست بلکه نیازی است که ترامپ و جناحهای راست افراطی سرمایه را بمیدان فراخوانده است. سیاستهای ترامپ، اگر نه صد در صد، اما اساساً، سیاستهای کلاسیک راست افراطی و جریانات فاشیستی است که مشابه آن در مقاطع مختلف تاریخ قرن بیستم و در دهه های گذشته در اروپا طرح شده و بخشاً اعمال شده اند. سیاست حزب ماری لوپن و ای اف دی و برلوسکونی و دیگران و یا برگزیت با سیاستهای ترامپ تفاوت جوهری ندارند و قدیمی تر هم هستند، اما هیچکدام با "ایسمی" معنی نشده است. اما در مورد ترامپ و البته با عطف توجه به جایگاه آمریکا در اقتصاد و سیاست جهانی، این عنوان بکار برده میشود. شخصاً بر این نظرم در دوره های بحران و بی شکلی و کشمکش جناح های متفرقه بورژوازی، بویژه در مقطعی که جهان دستخوش یک شیفت سیاسی و تعیین تکلیف مهم است، جناحهای هاردلاینز بورژوازی که اساساً راست افراطی و محافظه کار و میلیتاریست و فاشیست هستند، به نیاز کل طبقه بورژوازی بدل میشوند و محمل و نیروی در این دوره های انتقالی اند. اینکه در هر دوره ای با چه اسم و پرچم و تشریفاتی جلو صحنه می آیند خیلی مهم نیست، آنچه تعیین کننده است این واقعیت است که در این مقاطع دو گرایش طبقاتی از هر سو، راست افراطی و چپ افراطی، دارای پاسخ هستند و نیروهای میانی و مرکز و خاکستری رنگ باخته اند.

به این معنا، در دوره کنونی، در دنیایی که سوالات بعد از پایان جنگ سرد هنوز مفتوح مانده اند، در جهانی که نیروها و قطبهای جدیدی در سرمایه داری عروج کرده اند، در دنیایی که چهارچوبهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، پولی و مالی، نظامی و ارکانی که جهان بعد از جنگ دوم جهانی روی آن بنا شده بود؛ حتی از نظر بانیان آن بی اعتبار شده اند و نیازمند بازسازی اند، کل این مجموعه و بازتعریف معادلات ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک و نظم جدید جهانی و جایگاه قدرتهای سرمایه داری در آن موضوع جدال است. لذا جنگ و کشمکشها چه در کلیت آن و چه در جبهه ها و قلمروهای مختلف، برسر اینست که سمت و سوی این جهان جدید و چهارچوبهای آن چه فرجامی خواهند یافت.

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

در باره سیاستهای اقتصادی ترامپ، ...

افزایش دهد و تولید داخلی را تقویت کند. این فشرده سیاست پروتکشنیستی ترامپ در دور اول بود که اینبار نیز ادامه دارد و در صدر اخبار است.

با اینحال این سیاستها آنطور که ترامپ عنوان میکرد نتیجه ندادند. تأثیرات سیاست اعمال تعرفه های تجاری اولاً، افزایش هزینه های تولید در داخل آمریکا، بیکارسازیهای متعاقب آن، همینطور افزایش هزینه مصرف کنندگان و مشخصاً اعمال فشار به طبقه کارگر آمریکا بود. تولیدکنندگان برای تولید نیازمند واردات کالاهای خارجی بودند و اعمال تعرفه ها هزینه ها را بشدت بالا برد و بسیاری توان ادامه نداشتند و مراکز بسیاری بسته شد و کارگران بیکار شدند. مصرف کننده نیز با هزینه بیشتری باید کالای مورد نیاز را خریداری میکرد. ثانیاً، سیاست تلافی جویانه کشورهای رقیب و وضع تعرفه روی کالاهای آمریکائی به تشدید جنگ تجاری، افزایش تنشهای سیاسی و سردی روابط منجر شد. ثالثاً، اختلالی در زنجیره تامین کالا در سطح جهانی بوجود آمد. در جهانی که یک کالا در بیش از بیست کشور باید تهیه شود و بدست مصرف کننده در بازارها برسد، این سیاستها روند تولید و توزیع و نرخ کالاها و وضع بازارها را آشفته کرد و وضعیت پیچیده ای بوجود آورد.

در حقیقت پروتکشنیسم ترامپ، ناسیونالیسم اقتصادی و انزواگرایانه در عصر جهانی شدن و بازار جهانی، وصله ناجور بود و نمیتوانست در دراز مدت مانند یک مدل انباشت عمل کند و حتی به اهداف مورد نظر ترامپ برسد. این روش بیشتر نوعی رجعت به سیاستهای اقتصادی مرکانتلیستی بود. مرکانتلیسم قرنهای پیش در اروپا رواج داشت و خط مشی اقتصادی مبتنی بر صادرات بیشتر است. بر اساس این خط مشی، کشورهای با اقتصاد قویتر اروپا تلاش داشتند با محدود کردن واردات و افزایش صادرات، منابع اقتصادی بیشتری را بدست آورند. سیاستهای اقتصادی تاکنونی ترامپ، یعنی اعمال تعرفه ها بر واردات و ادعای حمایت از تولیدات داخلی، بویژه از آن جهت که مرکانتلیسم نیز بر حفظ تراز تجاری مثبت و اعمال موانع تجاری برای حمایت از صنایع داخلی تأکید دارد، بیشتر به نسخه ای خاص از مرکانتلیسم شباهت داد که در آن سیاستهای تجاری بیشتر بر اساس منافع آمریکا و با تمرکز بر "آمریکا اول" شکل گرفته است. بطور خلاصه، سیاستهای اقتصادی ترامپ ملغمه ای از مرکانتلیسم و پروتکشنیسم با تکیه به قلدری میلیتاریستی و استفاده از ابزارها و نهادهای اقتصادی است که امروز هنوز در دست آمریکا است. هدف فوری و محدود این سیاستها ایجاد مزیت های تجاری برای آمریکا و مقابله با آنچه که او به عنوان "نابرابریهای تجاری" و "هزینه های اضافی" آمریکا مینامد، است. اما اشتباه است که همین جنبه محدود را در نظر گرفت و نقش ابزاری این سیاستها در خدمت اهداف استراتژیک تر و همینطور تناقض این سیاستها با منافع سرمایه آمریکائی در بازار جهانی را از نظر دور داشت.

بررسی چند تناقض

وضع تعرفه ها در همان آمریکا بلافاصله با بیکاری و گرانی برای بخش عمده ای و البته سود کلان برای عده قلیلی منجر خواهد شد. اما تناقضات یکی بعد از دیگری بیرون میزنند:

اول، چگونه آمریکا که سرمایه گذارهای عظیمی در شرکت های بین المللی و بازار جهانی دارد، در عصر حاکمیت کورپوریشن ها، می تواند سیاست های پروتکشنیستی را در پیش گیرد؟ آمریکا با حضور گسترده در بازارهای جهانی با شرکت های چند ملیتی بزرگ مانند اپل، مایکروسافت، آمازون و ... بهره میبرد. این شرکت ها نه تنها در داخل آمریکا بلکه در کره خاکی با انواع شرکتهای زیر مجموعه عملیاتیهای گسترده ای دارند. بسیاری از این شرکت ها با استفاده از زنجیره های تأمین جهانی و از طریق تولید در کشورهای کم هزینه تر، سودهای عظیمی کسب می کنند. سیاست های ترامپ، به ویژه تعرفه ها و محدودیت ها، برای این شرکتها و بسیاری از غولهای نفتی و صنایع دیگر، مسئله جدی درست میکند که کمترین آن افزایش هزینه های تولید کالاها و اختلال در زنجیره تأمین مواجه میشوند.

دوم، سیاستهای ترامپ بر این تأکید دارد که شرکت های آمریکایی باید عمدتاً در داخل کشور کار و تولید کنند. این در حالی است که شرکت های بزرگ آمریکایی، بخش بزرگی از تولیدات خود را در خارج از کشور انجام می دهند. چین به "کارگاه جهان" و بهشت این شرکتها بدل شده است. هند و بنگلادش محل تولید کالاهای مزن های بین المللی پوشاک اند. به همین دلیل، سیاست های ترامپ به ضرر این شرکتها تمام میشود و آنها مجبور می شوند با هزینه های بیشتر تولید کنند یا واردات بیشتری از کشورهای دیگر با تعرفه های بالاتر داشته باشند.

سوم، سیاستهای ترامپ مثل پارزایت در ارکستر اقتصاد جهانی است. ناسیونالیسم اقتصادی و پروتکشنیسم در دنیائی که بسیاری از شرکتها در سطح جهانی به دنبال گسترش بازارهای جدید و استفاده از امکان کاهش هزینه های تولید در کشورهای حوزه کار ارزان هستند، مثل پارزایت عمل میکند. از یک سو، شرکت های آمریکایی نیاز دارند که به بازار جهانی دسترسی داشته باشند و از سوی دیگر، ترامپ سعی در تقویت تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به کشورهای دیگر دارد. ایجاد تعادلی بین این دو ساده نیست.

چهارم، بالاخره آمریکا مستقل از این سیاستها، میخواهد دوباره رئیس و کلانتر دنیا بشود و دستکم بمثابة یک ابرقدرت عمل کند. این یعنی آمریکا باید به عنوان بزرگترین اقتصاد دنیا و یک بازیگر مهم در نظام جهانی همچنان در بسیاری از صنایع جلوی صف باشد. سیاست های ترامپ با مشکلاتی که ایجاد میکند بیشتر به انزوای آمریکا کمک میکند تا مطرح کردن آن بمثابة یک قدرت مهم جهانی. ترامپ البته فقط متکی به سیاست پروتکشنیسم و نسخه جدید مرکانتلیسم نیست، او به ارتش و نهادهای مالی و پولی و حقوقی نیز متکی است و اساساً به توسعه طلبی امپریالیستی و نابود کردن پیمانهای که با شرکای سابق دارد و معامله با رقبای قدرتمند. لذا ادامه سیاست های پروتکشنیستی در بلندمدت بویژه در دنیای کنونی که جهانی سازی، فناوریهای نوین و شبکه های تأمین جهانی بسیار گسترده شده اند، ممکن نیست. تناقض بین پروتکشنیسم ترامپ و نیاز به بازار جهانی ممکن است تا حدی با تغییرات در سیاست های اقتصادی آمریکا یا تعاملات جدید تجاری جهانی حل شود. اما از آنجا اقتصاد جهانی به شدت به هم پیوسته است و آمریکا نمیتواند بطور کامل از آن جدا شود، لذا ارزش مصرف سیاست های پروتکشنیستی نهایتاً و در بهترین حالت نوعی ایجاد تراز تجاری مثبت خواهد بود تا از این منظر به ادعای بهبود اقتصاد داخلی تحقق بخشد. و بالاخره ایجاد تراز تجاری مثبت، تناقض این سیاست با ماهیت سرمایه داری امروز را حل نمیکند.

پروتکشنیسم ترامپ، مدل انباشت یا ابزار فشار؟

در باره سیاستهای اقتصادی ترامپ،...

از دهه هشتاد و بویژه بعد از سقوط بلوک شرق، بازار آزاد و جهانی سازی، دولت کوچک و خصوصی سازی، انجیل سرمایه داران بوده است. مدل اقتصادی که انباشت سرمایه عموماً از طریق آن صورت می‌گرفت و دولت در این میان کارگزار و حامی و حتی موتور این روند بوده است. ترامپ علیه این مدل اقتصادی و مدل انباشت سرمایه است. این یکی از جنبه‌های پیچیده سیاست پروتکشنیسم است که بدنبال حمایت از صنایع داخلی و تقویت تولید داخلی است و در موارد مختلفی با مدل جهانی شدن، بازار آزاد و جریان آزاد سرمایه در تناقض قرار می‌گیرد.

مدل بازار آزاد و جهانی شدن بر این فرض استوار است که بازارهای آزاد و کاهش محدودیتهای تجاری می‌توانند منجر به رشد اقتصادی جهانی شوند. در این سیستم ادعا میشود؛ جریان آزاد کالاها، خدمات و سرمایه‌ها از یک طرف به ایجاد کارایی بیشتر، کاهش هزینه‌ها و بهبود رفاه عمومی می‌انجامد. اگرچه بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ از این مدل سود می‌برند، اما شکاف‌های اقتصادی و طبقاتی عظیم و نابرابری‌های گسترده‌ای را به دنبال داشته است. در مدل پروتکشنیستی، هدف این است که صنایع داخلی تحت حمایت قرار گیرند و سرمایه به داخل کشور هدایت شود تا به تولید و اشتغال داخلی کمک کند. در این مدل، بجای اینکه سرمایه به سمت تولیدات ارزانتر در خارج از کشور هدایت شود، دولت سعی می‌کند سرمایه‌ها را در داخل کشور نگه دارد تا "منافع اقتصادی ملی" حفظ شود. این دو مدل به طور طبیعی در تضاد هستند. در حالی که مدل موسوم به "نئولیبرالی" بر جهانی شدن و آزادسازی بازارها تأکید دارد، مدل پروتکشنیستی بدنبال حفاظت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به بازارهای جهانی است. در دنیای امروز اگر آمریکا تصمیم بگیرد که به طور کامل از مدل بازار آزاد دست بکشد و به سمت سیاست‌های پروتکشنیستی برود، نیازمند ایجاد تغییرات گسترده در نحوه مدیریت اقتصاد جهانی و بازتعریف رابطه بین کشورها است.

در واقعیت اما پروتکشنیسم ترامپ جدا از اهداف کوتاه مدت و ایجاد تراز تجاری مثبت با کشورها، در بلند مدت هدفش را چهارچوبی جدید در جهانی شدن و ایجاد تعادلی بفع آمریکا در قطب بندی جدید جهان قرار داده است. جنگ تجاری جدید و تأثیر آن بر فتح بازارها و تغییرات ژئوپولیتیک، یک نقطه کلیدی در سیاستهای ترامپ است. در حقیقت، جنگ تجاری که ترامپ به راه انداخته است، بیش از آنکه یک رقابت صرف اقتصادی باشد، در راستای ایجاد یک جهان چند قطبی و تقویت قدرت آمریکا از طریق بازتعریف مناسبات تجاری و ژئوپولیتیک است.

شولتز و مکرون و اروپایی‌ها شکوه میکنند که ترامپ قوانین را در نظر نمی‌گیرد، همان شکوه‌ای که دیروز در مورد پوتین بروز میدادند. آنها هنوز در گذشته زندگی میکنند و هنوز نمیدانند ترامپ آن قوانین را نه در آمریکا و نه در جهان قبول ندارد و اتفاقاً یک وجه جنگ و نبرد بر علیه تغییر همین قوانین است. وقتی می‌گوییم دنیای بعد از جنگ دوم و ساختارهایش بی اعتبار شدند، سخن بر سر اینست که نبرد جاری بر سر بازتعریف تمامیت آن است و نه رعایت قانونی که از نظر بانیا نش مردود اعلام شده است.

جنگ تجاری ابزار تغییر نظم جهانی

ترامپ با هدف بازسازی نظم جهانی تجاری و بازگشت قدرت اقتصادی آمریکا به صحنه جهانی، سیاست‌های پروتکشنیستی و تعرفه‌ها را بعنوان ابزاری برای فشار به کشورهای بزرگ، به‌ویژه چین و اتحادیه اروپا، بکار گرفت. این سیاست‌ها بطور غیرمستقیم منجر به تغییرات ژئوپولیتیک نیز میشود. چرا که وقتی یک کشور بطور عمده با هدف تقویت قدرت داخلی و افزایش اشتغال در داخل، بخصوص در صنایع خاص خود، تعرفه‌ها را اعمال میکند، این اقدام میتواند زنجیره‌های تأمین جهانی را تحت تأثیر قرار دهد و موجب تغییر در روابط اقتصادی و سیاسی بین کشورها شود. ترامپ به این ترتیب سعی داشت تا نظم جهانی تجارت آزاد که پس از جنگ جهانی دوم و بویژه از زمان تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) شکل گرفته بود، تحت فشار قرار دهد. این فشارها در نهایت به پیمان‌های جدید تجاری، توافقات دوجانبه و مذاکرات جدید در سطح بین‌المللی می‌انجامد که فی الحال در جریان است. ترامپ با اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات کالاهایی چون فولاد و آلومینیوم از چین، به دنبال اعمال فشار بر رقبای تجاری بود تا در نهایت چین را به توافقات تجاری جدید وادار کند. اما مسئله اصلی این است که این سیاست‌ها می‌توانند منجر به افت تقاضا در بازارهای جهانی و بویژه کاهش دسترسی آمریکا به بازارهای خارجی شوند. برای فتح بازارها در چنین جهانی، شما به چیزی بیشتر از سیاستهای تعرفه‌ای نیاز دارید. برای مثال، رقابت در نوآوری فناوری، ارتباطات جدید اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در سطح جهانی از جمله عواملی هستند که در نهایت به شما امکان می‌دهند تا بازارهای جدید را بطور واقعی فتح کنید.

جهان چند قطبی

سیاست‌های ترامپ در زمینه بازسازی قدرت آمریکا در صحنه جهانی و تقویت موضع آمریکا در مقابل چین و اتحادیه اروپا، در نهایت به یک هدف ژئوپولیتیک و استراتژیک می‌انجامد که آن هم چند قطبی کردن جهان بود. اما چند قطبی شدن جهان به معنای چیزی بیشتر از تنها یک تغییر در توازن قدرت اقتصادی است. در واقع، جهان چند قطبی نه فقط یک بازتوزیع قدرت اقتصادی، بلکه بازتعریف نظام‌های تجاری، سیاسی، مالی و نظامی جهانی است. در نهایت، جنگ تجاری ترامپ بیشتر به‌عنوان ابزاری برای ایجاد فشار اقتصادی و ژئوپولیتیک بکار می‌رود تا اینکه به هدفی واضح برای فتح بازارها و رسیدن به نظم جهانی جدید منتهی شود. جهان چند قطبی و "مگا" که ترامپ به دنبال آن بود، در حالی که می‌تواند به چالشهای جدی برای نظم جهانی فعلی منجر شود، به همین اندازه با پیچیدگی‌ها و چالشهای داخلی و جهانی نیز

صفحه ۷

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است! مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

برابری بی‌قید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

در باره سیاستهای اقتصادی ترامپ،...

روبه‌رو خواهد بود.

در شرایط کنونی، نظم پس از جنگ جهانی دوم که به رهبری آمریکا و اتحادیه اروپا شکل گرفته بود، بطور فزاینده‌ای در حال تغییر و تحولات است. اتحادیه اروپا با چالش‌های داخلی و اختلافات استراتژیک با آمریکا مواجه است. روسیه و چین بطور فزاینده‌ای در حال شکل دهی به نظم جدید جهانی هستند و کشورهای بریکس در تلاش برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در جهان هستند. بنابراین، غرب سابق به‌عنوان یک قدرت واحد در حال اضمحلال است و جای خود را به یک جهان چند قطبی می‌دهد که در آن قدرت‌ها و بلوک‌های مختلف نقش مهم‌تری ایفا خواهند کرد.

۲۰ فوریه ۲۰۲۵

و بالاخره اتحادیه اروپا در بحران و دگرگونی است و روسیه نقش جدیدی بازی میکند. بریکس (BRICS) شامل پنج کشور بزرگ و در حال توسعه (برزیل، روسیه، هند، چین، و آفریقای جنوبی) است که به‌طور فزاینده‌ای به عنوان یک ائتلاف مخالف نظم اقتصادی جهانی تحت سلطه ایالات متحده و غرب ظاهر شده‌اند. این کشورها در تلاش‌اند تا یک نظام اقتصادی جدید مبتنی بر چند جانبه‌گرایی و کاهش وابستگی به دلار آمریکا ایجاد کنند.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونست کارگری - حکمتیست

در رابطه با حکم مجدد اعدام شریفه محمدی فعال کارگری



طبق اطلاعیه کارزار دفاع از شریفه محمدی، این فعال کارگری که قبلاً توسط یک قاضی جنایتکار به اعدام محکوم شده بود، امروز بیست و پنجم بهمن ماه بار دیگر و اینبار توسط فرزند همان قاضی برای بار دوم به اعدام محکوم شده است.

رژیم هار اسلامی ناتوان از حل بحرانهای کمرشکن متعددی که در چند ماه گذشته گریبانش را گرفته تنها حربه باقیمانده را در سرکوب و زندان و صدور احکام اعدام برای مخالفین سیاسی و معترضین به وضع موجود میبندد و بکار میگیرد.

در این روزها که جنبش رهایی زن به مثابه یکی از عرصه‌های مهم اعتراض و مبارزه روزمره و رودرو با رژیم درگیر هستند و یک به یک طرح‌ها و لوایح ضد زن رژیم از جمله طرح حجاب و عفاف را به شکست کشانده‌اند، حکومت سرکوبگر اسلامی برای ساکت و مرعوب کردن اعتراضات و مقاومت زنان در رابطه با قوانین آپارتاید جنسی در چند پرونده زنان مبارز از جمله وریشه مرادی، پخش‌ان عزیزی و امروز شریفه محمدی را به اتهامات واهی به اعدام محکوم کرده است. اعدام تنها حربه رژیم برای ادامه سرکوب مردمی است که دیگر حاضر نیستند در زیر بار فقر و فلاکت و سرکوب زندگی کنند.

اعتراضات و مبارزه جانانه مردم و بخصوص اعتراضات زنان مبارز در مقابل سرکوب و تعرضات وحشیانه جمهوری اسلامی، در موارد متعدد رژیم را به عقب نشینی واداشته است. اعتصاب عمومی سوم بهمن امسال در کردستان یکی از این نمونه‌های بارز است. مبارزه و اعتراض روزمره در کل جغرافیای ایران جاری است و سرانجام چوبه‌های دار و اعدام را بر سر صاحبان آن خراب خواهد کرد.

جمهوری اسلامی قصد دارد با پرده پوشی ضعف و ناتوانی خود در اداره جامعه، با ادامه سرکوب و جنایت و گسترش رعب و وحشت به حاکمیت ننگین خود ادامه دهد. اما بیشتر از هر کسی این خود رژیم است که میدانند این نفس‌های آخر و پایان قدر قدرتی ۴۶ سال سرکوب و جنایت است و حربه سرکوب دیگر کارایی ندارد. جامعه و مردم معترض در مقابل اعدام قتل عمد دولتی ساکت نخواهند نشست. امروز جنبشی به پهنای آن جغرافیا، از داخل زندانها تا هر گوشه و کناری که جنبش اعتراضی در جریان است تا هر نهاد و تشکل اجتماعی و سیاسی پرچم نه به اعدام هم برپاست. این اعتراض در میدان می‌رود که بساط جمهوری اسلامی و پدیده ضد انسانی اعدام را برای همیشه برچیند.

ما ضمن محکوم کردن قاطعانه حکم اعدام شریفه محمدی و دیگر زندانیان سیاسی خواستار آزادی فوری آنها هستیم و از تمام مردم آزادیخواه در سراسر ایران و کردستان می‌خواهیم علیه حکم اعدام شریفه محمدی با هر شیوه ممکن اعتراض کنند. در کردستان همبستگی و اعتراض گسترده به این پدیده جنایتکارانه سنتی پایدار و محکم است، باید با تمام توان برای لغو این حکم شنیع و ضد انسانی تلاش کرد.

نه به اعدام

مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونست کارگری حکمتیست

بیست و پنجم بهمن ماه ۱۴۰۳ (۱۳ فوریه ۲۰۲۵)

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

اعلامیه حزب حکمتیست

جمهوری اسلامی جنایتکار و زورگیر اصلی است!

چنین نظام‌هایی تشخیص قتل عمد دولتی و قتل عمد غیر دولتی نیازمند تخصص جنائی است. اما تشخیص رابطه ایندو ایداً سخت نیست. لذا اصلاح طلبان ورشکسته، ناسیونالیست هائی که تنها مشکل شان با خامنه ای فقط "عدم کفایت در مدیریت" است، از این اوضاع سوءاستفاده نکنند. دانشجویان باید مواظب این فرصت طلبان باشند. دانشجوی امنیت می‌خواهد. اگر امنیت وجود ندارد مسئولش دولت است و بازی موش و گربه و نمایش استعفا و عذرخواهی جوابگو نیست.

دانشجویان چپ! قتل و جنایت جدید محصول سیاست پادگانی کردن دانشگاه، بازاری کردن آموزش، تبدیل دانشگاه به صحنه رقابت باندهای حکومتی، سلب استقلال از دانشجو و سرکوب حق اعتراض و تجمع و آزادی بیان دانشجو است. برای نفی بانیان این وضعیت، برای نفی تمام و کمال آپارتاید جنسی در دانشگاه، برای بیرون انداختن نیروهای امنیتی از دانشگاهها، برای نفی تبدیل آموزش به تجارت بخش خصوصی، برای حق آموزش رایگان در تمام سطوح برای همگان، برای سنگربندی در مقابل جنایتهای دیگر آماده شوید. دانشگاه پادگان نیست. اعتراض حق دانشجو است. جمهوری اسلامی مسبب قتل امیرمحمد خالقی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۲۸ بهمن ۱۴۰۳ - ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

اسلام و اسلام زدایی

منصور حکمت ژانویه ۱۹۹۹

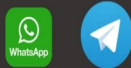
فرد در اسلام، چه راستین وجه غیرازان، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزادراسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساداست. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب برکپل مرتکبیتش گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است.

واقعیت اما روشن تر از آنست که اسیر این تشبئات حکومتی ها شویم. رد خون و جنایت در دانشگاههای ایران عیان تر از آنست که اینمورد را استثنأ بحساب آورد. سرکوب خونین دانشجویان از "انقلاب فرهنگی" سرش و حزب الهی های دوره میرحسین موسوی تا اختناق شدید و خفقان دوره هاشمی رفسنجانی، بعد دوره دو خرداد و مدنی چگیری خاتمی تا عر و تیز سردار نوالقدرها و بهم ریختن خوابگاه ها و طرح "لوله کردن" دانشجویان و پرت کردن آنها از طبقات بالا با شعار "یا حسین" رئیس مجلس فعلی قالیباف، قتل و سرکوب دانشجویان در اعتراضات دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱، اخراج و ستاره دار کردن و زندانی هزاران دانشجوی معترض؛ رد خون و جنایت توسط بالاترین مقامات حکومت و عمله و اکره آنها ثبت شده است.

حقیقت اینست که "زورگیران" در منصب وکیل و وزیر، ریاست دانشگاهها و کارخانه ها و مهمترین پستهای حکومتی نشسته اند. دولتی که کار هر روزه اش زورگیری از مردم، سرکوب زنان، اخاذی از کارگران، بالا کشیدن اموال عمومی، مصادره صندوق های بیمه و بازنشستگی است، در کنار خود و در بخش خصوصی انواع زورگیران را تولید میکند. دولتی که طبق نص اسلام قانوناً زن میکشد، به زنان و کودکان تجاوز میکند و آپارتاید جنسی را به قانون مملکت تبدیل کرده است، حاشیه امنی برای مردان مرتجع و مردسالار و زن کش تامین کرده است. رژیمی که هر باندش سازمان اطلاعات و زندانهای ویژه دارد و جوان و فرزند مردم را زیر شکنجه میکشد و جنازه اش را جایی می اندازند، در کنار خود قاتلان سریال و انواع جنایتکار تولید میکند. در

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت

Worker Communist Party of Iran - Hekmatist

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



و... اهدا کنید! تشویق به جای تنبیه!! همزمان با این ترفند نخ نما و بی اثر، در متروهای تهران گروهی دیگر اتاق توبه باز کردند و زنان با شهامتی را که حجاب از سر برداشته اند را به اتاقکی که به شکل یک سلول تنگ و تاریک ایجاد شده میبرند و از کشته شدن قاسم سلیمانی و بقیه ارادل و اوباش کشته شده در میدانهای جنگ در سوریه و... فیلم به نمایش

میگذارند و با گریه و نوحه خوانی به زنان شال و روسری هدیه می‌دهند و از آنها قول میگیرند منبعث و با احترام به "خون" آنان بدون حجاب ظاهر نشوند! رقت آور است در میان هزار معضل اجتماعی و اقتصادی دست و پا میزنند و راه حلی برای معضل انرژی و هوای آلوده و نبود دارو و فقر بشدت گسترده ندارند، اما از گسترش بی حجابی و بی اعتنایی وسیع زنان به قوانین زن ستیزانه خشم آلوده‌های مفت خور تا سپاه و لمپن های لباس شخصی را برانگیخته و برای برچیدن این اوضاع در حال تدبیر و راه حل یابی هستند، این راه حل ها از خشونت عریان تا بلیط مجانی سینما و مترو را در برمیگیرد.

اینجاست که ما میگوییم حجاب و اساسا هر مسئله ای که به بحث زن و آزادی زن در جامعه و در خانواده برمیگردد شاهرگ حیات جمهوری اسلامی را مستقیما نشانه گرفته و به جنگ این حکومت می‌رود. مذاکره با امریکا را هضم میکنند، در مقابل نفرت عمیق عمومی سلاح سرکوب را بکار میگیرند، اعدام و زندان میکنند تا با تروریزه کردن جامعه چند صباحی برای ادامه حکومت وقت بخزند و به زنان که میرسد در کمال سراسیمگی به هر ترفندی متوسل میشوند تا آخرین رشته های حیات حکومت بسادگی پاره نشود و سرنگون نشوند.

این روزها حقیقتا روزهای عجیب و بیسابقه ای در تاریخ مبارزات زنان برای حقوق برابر در ایران است. روزی که در ۱۷ اسفند ماه ۴۵ سال پیش زنان در صف طویل و پرشور اعتراضی با شعار "انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" سر دادند و اعلام کردند تسلیم نخواهند شد تا خیزش انقلابی شهریور در ۳ سال پیش و تا به امروز این روند با افت و خیزهایی در جریان بوده اما یک اصل آن همیشگی و ثابت باقی مانده به عقب برنمیگردیم، تسلیم نمیشویم! بردگی را دون شان خود میدانیم و در مقابل هر بیحقوقی خواهیم ایستاد.

از حجاب سوزان شهریور ۱۴۰۱ زنان دیگر نه در مقابل حکومت و قوانین ضد زن و نه در مقابل فرهنگ مردسالار و مذهب زده در جامعه تسلیم نشدند و علیرغم تضییقات هر روزه از جریمه های سنگین تا زندان و روانه شدن به کلینیک های روانی راه خود را میروند. راهی که نه قتل های شنیع زیر نام ناموس و نه قوانین کثیف زن ستیز حکومت آنها را متوقف نکرده. گرچه تلاش برای خاموش کردن این عرصه از مبارزه از هر طرف در جریان است اما توان خاموش کردن را هرگز ندارند. از جریمه های میلیونی تا اهدای بلیط مجانی سینما و مترو و تمهیدات دیگر تا امروز نتوانسته زنان را به عقب برگرداند.

با این تفصیلات برمیگردم به تناقض دو عرصه مهم در رابطه با مسئله زنان که در ابتدا هم به آن اشاره کردم، یک طرف این ماجرا تعرض زنان به بنیادهای هویتی حکومت است و روی دیگر آن پدیده شنیع و وحشیانه قتل زنان و آزار جنسی و فیزیکی آنان در

در آستانه ۸ مارس با پرچم همبستگی و همسرنوشتی زنان!

ملکه عزتی

این روزها و در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن اخبار متناقض در رابطه با عرصه مسائل زنان بسیار متنوع و گسترده است. در حالیکه زنان عملا حجاب را بطور دوفاکتو در سطح وسیعی در جامعه لغو کردند و در مقابل نیروهای حکومتی ضد زن، شجاعانه میایستند و از حق اختیار بر بدن و پوشش اختیاری به مثابه یک عرصه مهم و حیاتی مقابله و دفاع میکنند، در جایی دیگر و در نهایت بیحقوقی زنان در خانه و خانواده مورد آزار و خشونت قرار میگیرند. فقط در طی این هفته اخبار پنج قتل ناموسی زنان بدست نزدیکانشان در رسانه ها منعکس شده. مردی در خیابان زنش را در ماشین در بسته به آتش میکشد، پدری دخترش را بدلیل طلاق از همسرش با چاقو میکشد و برادری خواهرش را خفه میکند و همه این مردان "غیور" در سایه قوانین ضد زن و اعمال آپارتاید جنسی در طول بیش از ۴ دهه، از طرف مجریان قانون مورد تعقیب قرار نمیگیرند و مجازات نمیشوند. اگر هم در هر ده مورد یک قاتل بازداشت و محکوم شود در کمترین زمان ممکن دوباره به میان جامعه برمیگردد و به زندگی عادی ادامه میدهد.

در ابتدا باید گفت تصویر دهشتناک و غیر انسانی قتل و کشتار زنان بیانگر وضعیت عمومی حاکم بر جامعه نیست. تصویر واقعی از جامعه اعتراضات روزانه اقشار متفاوت اجتماعی علیه یک حکومت سرکوبگر است که در طول سالیان حکومت ننگین خود به هر اعتراض و تجمعی با خشونت و سرکوب جواب داده، زنان از شرکت کنندگان اصلی و فعال این اعتراضات و تجمعات هستند و روزانه رودرروی نیروهای سرکوبگر حکومت با مشت‌های گره کرده خواسته هایشان را فریاد میزنند. تصویر واقعی از جامعه این است که زنان نه تنها درمانده نیستند بلکه با حضور خود در عرصه های مختلف حکومت و قوانینش را در هر عرصه ای به مصاف طلبیده اند و در بیشتر تجمعات اعتراضی کارگران، پرستاران و معلمان زنان در رهبری آن نقش برجسته ای دارند.

جمهوری اسلامی هیچ زمانی به اندازه امروز در منگنه اعتراض و نارضایتی اقشار مختلف جامعه قرار نداشته. حکومتی که در معرض این سطح از اعتراض و نارضایتی قرار دارد اگر سلاح سرکوب و اعمال قهر در دستش نبود قطعا امروز سرنوشت دیگری داشت. در این اوضاع بشدت بحرانی و ترس مداوم از سرنوشتی هنوز اما مهمترین و حیاتی ترین معضل حکومت مسئله زنان و حجاب زنان در راس همه اتفاقات قرار دارد. آخوند علم الهدا در خطبه نماز جمعه هفته گذشته می‌گوید "حجاب و ولایت فقیه از نظر غربی ها اهمیت بیشتری از سیاست هسته ای ایران دارد" سپاه پاسداران این نیروی سرکوب و عامل هزاران جنایت در طول چند دهه سال، برای چند صباح بقای بیشتر این روزها با تغییر تاکتیک از اسید پاشی و قمه زنی با طرح هدیه دادن و تطمیع زنان با بلیط مجانی سینما و مترو و تئاتر به میدان آمده و ظاهرا با این ترفند احمقانه قصد دارد به جنگ بیحجابی زنان برود.

به زنانی که حجاب را رعایت میکنند بلیط مجانی مترو و سینما و تئاتر

انعکاس قوی پیدا کند. باید باور کرد جامعه بدون آزادی زن آزاد نخواهد شد. نه منتظر معجزه تغییر در سیاست حاکمیت مستبد جمهوری اسلامی باشیم و نه امر رهایی زن را به زمان نامشخصی موکول کنیم. همین امروز در همین موقعیت میشود و باید بتوانیم سدی در مقابل خشونت بر زنان ایجاد کنیم. در ۸ مارس امسال قدم اولیه را برای این امر مهم برداریم. مسئله خشونت بر زنان و مبارزه علیه قتل‌های موسوم به قتل ناموسی را در صدر مطالبات خود قرار دهیم و به یک عرصه عمومی در جامعه تبدیل کنیم. خانواده مقدس نیست، خانه ای که زندان زنان باشد نه تنها مقدس نیست که باید بنیان آن را در هم کوبید.

زنم است، دخترم است، خواهرم است حقش را دارم، صاحبش هستم، نباید اجازه بروز پیدا کند و ابزاری برای کشتار زنان باشد. از هر کسی که در این عرصه می‌تواند و امکان حمایت در هر موردی را دارد کمک بخواهیم. این وضعیت شایسته جنبشی نیست که جمهوری اسلامی را در تنگنای بسیار عمیق سیاسی قرار داده و بخشی از عرصه های مهم در رابطه با حقوق و آزادهای بنیادی را از دست حکومت سرکوبگر اسلامی درآورده و با مقاومت و اعتراض از این دستاوردها حفاظت میکند. عکس هایشان را در دست بگیریم داستان زندگیشان را روایت کنیم، ظلمی را که بر آنان رفته انعکاس دهیم و انگشت اتهام را روبه حکومت و قوانین ضد زن نشانه بگیریم و از سرنوشت تلخ آنها تصویری زنده بسازیم. نسبیت فرهنگی و تعلقات قومی و عشیره ای نمیتواند و نباید مجوزی برای قتل و کشتار زنان باشد و این جنایات را موجه جلوه دهد.

امسال در روز جهانی زن، شعار زنان معترض در ۱۷ اسفند ۴۵ سال پیش هنوز معتبر است. "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی. حقوق جهانشمول زنان" خارج از هر تعلق جغرافیایی زبانی و قومی تنها راه ممکن برای تحقق آزادی و برابری همه جانبه و بدون قید و شرط در همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی است.

۲۰ فوریه ۲۰۲۵



در آستانه ۸ مارس با پرچم همبستگی و همسرنوشتی زنان!

ملکه عزتی

پستوهای مخوف نهاد خانواده که به وحشیانه ترین شکل ممکن رخ میدهد و هر وجدان آگاهی را باید بلرزاند.

زنان به بهانه های واهی اخلاقی و به جرم تابوشکنی و سرکشی های ناشی از آگاهی و تن ندادن به خشونت و حقارت توسط عناصری که خود را قیم و مالک زن میدانند و حفظ "شرافت و ناموس" خانواده را وظیفه زنان قرار دادند سلاخی میشوند. مردانی که غالبا پایبند قرار و مدارهای اخلاقی خاصی نیستند و خود را در انجام هر عمل خارج از عرف و اخلاق آزاد میدانند!

اینجاست که مبارزه با مردسالاری و سنتهای عقبمانده ضد زن که در طول تاریخ اعمال گردیده از فاکتورهای تعیین کننده برای برچیدن تحقیر و ستم بر زنان معنی پیدا میکند. مبارزه ای که قطعا هر تک فرد به تنهایی در محیط پیرامونی خود نمیتواند و باید در محو آن نقش داشته باشد اما این به بهیچوجه کافی نیست و نیازمند وجود قوانین و مقررات کاملا متفاوتی با وضع موجود امروز می‌باشد.

در آستانه ۸ مارس با تکیه بر همبستگی و همسرنوشتی جهانی زنان علیه این فاجعه قدمی باید برداشت. بیحقوقی زن و تنگ کردن عرصه بر زنان در محیط تنگ و ایزوله خانواده عین آرزوی جمهوری اسلامی است. زنی که اعتراض صدا و بازتاب ندارد، زنی که از فرط بیحقوقی و در کنج خانه مجبور به سکوت میشود، زنی که حمایت قانون را ندارد زنی که خشم مرد خانواده را در طول زندگی روزانه و مداوم تجربه کرده و دم فرو بسته، زنی که پشتیبان و حامی هم ندارد انسان مستاصلی خواهد شد که نهایتا اگر کشته نشود اگر سوزانده و کارآجین نشود برای پایان دادن به جهنمی که زندگی نام دارد خودکشی خواهد کرد، به زندگی سراسر زجر و شکنجه خود نقطه پایان را خواهد گذاشت. در ۸ مارس مهمترین اقدام آگاهانه اعلام حمایت از زنانی است که در چنین شرایط تلخی قرار دارند. یکی از سنتها و درس های مبارزاتی بجا مانده از اعتراضات زنان کارگاههای پارچه بافی در نیوریک بیش از صد سال پیش و پیشنهاد و بحث ثبت یک روز به نام روز زن از طرف الکساندر کولونتای سنت همبستگی و حقوق جهانشمول زنان بوده. جنبش آزادی و برابری زن بیشتر از هر زمانی به این سنن و آموزه ها نیاز دارد. اعلام همبستگی و حمایت از زنانی که در محیط پیرامونی خود هر روز شاهد حضور غمگین و تلخ آنها هستیم و میدانیم تحت آزار و شکنجه هستند، بی تفاوت از کنارشان نگذریم. حضور علنی و آزادانه مردانی که نداشته هایشان را با کشتن زنان پرمیکنند، برادران و پدرانی که اخلاق را در کشتن زنان معنی میکنند و تملک بر زن را جز خصوصیات بارز مردانگی میدانند نباید تحمل شود. نباید اجازه داد اینها بی پروا و بعد از ارتکاب جنایت در سطح علنی جامعه اجازه حضور داشته باشند. گروه های حمایت از زنان را تشکیل دهیم، با هر هر امکانی که داریم اجازه ندهیم کشتن زنان، آزار و تحقیر و خشونت بر زنان به امری عادی در عرصه شخصی و مردسالاری تبدیل شود. هر حرکتی که به حذف فیزیکی و آزار و خشونت روانی علیه زنان منتهی شود و زمینه را برای سلب حقوق آنان مهیا کند، امری اجتماعی است و باید در جنبش های موجود اجتماعی امروز

اعدام قتل عمد دولتی است!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۸ مارس، نماد رزم زنان برای رهایی

در آستانه ۸ مارس - روز جهانی زن - قرار داریم. ۸ مارس ابتکار خلاقانه زنان سوسیالیست جهان، این مدافعین پیگیر رهایی زن است که برای نخستین بار پرچم مبارزه‌ای رادیکال را علیه تبعیض و نابرابری جنسیتی و برای رهایی زن در سراسر جهان به اهتزاز در آوردند. ۸ مارس در دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست که در ۱۹۱۰ در کپنهاگ برگزار شد، به پیشنهاد کلارازتکین به عنوان روز جهانی زن اعلام گردید. از آن تاریخ تا به امروز، جنبش زنان در سراسر جهان سیر تحولات گسترده‌ای داشته و بسیاری از خواست‌های خود را به ساختار پدر/مرد سالار، سامانه‌های تولید اجتماعی و سرمایه‌داری که مناسبات ستم بر زنان را بازتولید می‌کنند، تحمیل کرده است. با این همه رزم زنان جهان علیه سامانه‌های تبعیض و ستم جنسیتی در اشکال مختلف تداوم داشته است.

سیر تحولات جنبش زنان در ایران نیز از جنبش مشروطه تا کنون با افت و خیزهای زیادی همراه بوده است. با قدرت‌گیری جمهوری اسلامی و آپارتاید ضد زن، جنبش زنان ایران نیز وارد تحولات نوینی شد. نماد آشکار آن، تظاهرات زنان علیه سرکوب و نابرابری جنسیتی بود که در روز ۸ مارس ۱۳۵۸ علیه فرمان خمینی - برای تحمیل حجاب اجباری - تجلی یافت. مبارزات زنان در تمامی این سال‌های سپری شده به رغم افت و خیزهای مبارزاتی، به رغم سرکوب‌های عریان جمهوری اسلامی، همواره علیه ارتجاع حاکم و تبعیضات جنسیتی تحمیل شده بر آنان استمرار داشته است.

پوشیده نیست، ستم و تبعیض و ظلمی که در ۴۶ سال گذشته بر زنان ایران رفته است - بجز زنان افغانستان در دوره طالبان - قابل قیاس با زنان هیچ کشوری نیست. در جهان کنونی، کمتر کشوری را می‌توان یافت که این همه ستم و تبعیض بر زنان تحمیل شده باشد. جمهوری اسلامی در زمره معدود دولت‌هایی است که در قوانین خود رسماً بر تبعیض و نابرابری صحنه گذاشته است. با اینهمه و به رغم همه تبعیضات و ستم و سرکوب‌های عنان گسیخته‌ای که بر زنان ایران اعمال شده است، کمتر جنبشی را می‌توان سراغ گرفت که زنان در آن حضوری فعال نداشته باشند. این میزان از فعالیت و رادیکالیسم مبارزاتی زنان، برخاسته از آگاهی آنها و متأثر از تبعیض‌ها و ستم‌های وحشیانه‌ای است که حاکمان مرتجع اسلامی بر آنان تحمیل کرده‌اند.

در نظام استبدادی و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، اگرچه عموم توده‌های مردم ایران هر یک به نحوی در معرض ستم و سرکوب و نابرابری قرار دارند، اما ستم و تبعیضی که بر زنان ایران اعمال شده است، وحشیانه‌ترین و بیرحمانه‌ترین نوع تبعیض و ستم در ایران است. علاوه بر این ستم جنسیتی که عموم زنان ایران با آن روبرو هستند، اکثریت بزرگی از زنان، به عنوان زنان کارگر و خانواده‌های کارگر نیز با ستم طبقاتی و استثمار وحشیانه سرمایه‌داری مواجه‌اند. مبارزه زنان ایران برای بر انداختن تبعیضات جنسیتی و کسب حقوق برابر، اگرچه از همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی شروع شد و همواره به اشکال مختلف ادامه یافت، اما، مجموعه شرایط حاکم بر کشور و تبعیضات عدیده‌ای که بر زنان اعمال شده است، آنان را بر

آن داشته تا با عزمی راسختر از گذشته به مبارزه علیه جمهوری اسلامی برخیزند. اینکه زنان ایران در ۷ سال گذشته - در خیزش دیمه ۹۶، قیام شکوهمند آبان ۹۸ و جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» - «دوشادوش مردان به مبارزه‌ای شجاعانه علیه جمهوری اسلامی برخاسته و در اغلب موارد حتی نقش پیشتازی را در جریان این جنبش‌های خیابانی ایفا کرده‌اند، جلگی بر گرفته از شور انقلابی، شعور سیاسی، سطح آگاهی و تجربه مبارزاتی آنان است.

در جریان جنبش انقلابی ۱۴۰۱ زنان ایران با نبرد قهرمانانه خود حماسه‌ها آفرینند. این جنبش شکاف‌های درونی طبقه حاکم را عمیق‌تر و رژیم را با چالش‌های بزرگی مواجه ساخت. اکنون دیگر کم نیستند افراد و گروه‌هایی که حتی از درون طبقه حاکم نیز به صراحت عنوان می‌کنند که ادامه حیات جمهوری اسلامی دیگر به شیوه گذشته ممکن نیست.

مبارزات زنان علیه حجاب اجباری که در واقع پرچمی علیه هرگونه ستم و تبعیض جنسیتی است، در جنبش نیمه دوم ۱۴۰۱ اوج گرفت و از آن پس تا به امروز همچنان با جانفشانی تمام ادامه دارد. جمهوری اسلامی برای مقابله با انبوه زنانی که دیگر حاضر نبوده و نیستند به حجاب اجباری و تحمیلی تن در دهند، ابزارهای متعدد سرکوب را به کار گرفت، اما هیچکدام از اقدامات سرکوبگرانه حاکمیت نتوانست زنان را از مبارزه برای لغو حجاب اجباری باز دارد. آخرین ترفند تبهکارانه جمهوری اسلامی، تصویب قانون بغایت ارتجاعی و ضد زن «عفاف و حجاب» بود، که آنهم به دلیل مقاومت زنان قهرمان، قابلیت اجرایی نیافت و هم‌اکنون بخش بزرگی از زنان مبارز ایران بی توجه به قوانین سرکوبگرانه جمهوری اسلامی با پوشش اختیاری در خیابان و اتوبوس و مترو و دیگر محافل عمومی ظاهر می‌شوند.

در بطن دلاوری‌های مبارزات زنان و تمام حماسه‌آفرینی‌های آنان است که اکنون روز جهانی زن - نماد رزم زنان برای رهایی - فرا رسیده است. روزی که زنان در سراسر جهان با برپایی راهپیمایی‌ها، تجمع و تظاهرات علیه تبعیض و ستم و نابرابری‌های جنسیتی به پا می‌خیزند و مطالبات خود را مطرح می‌کنند.

هشت مارس فرصت دیگری است که زنان در ایران نیز با تکیه بر تجربه مبارزاتی سال‌های سپری شده - بویژه تجربه جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» - «بار دیگر به تعرض جدیدی علیه نظام زن ستیز جمهوری اسلامی روی آورند و با گردهم‌آیی‌ها و تظاهرات در خیابان‌ها و سردادن مطالباتی که انعکاس تمام خواست‌های زنان علیه تبعیض و ستم و نابرابری است، ضربه دیگری بر پیکر نحیف و پوسیده جمهوری اسلامی وارد آورند.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۸ بهمن ۱۴۰۳ - ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان

(اقلیت) . هسته اقلیت

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم هیئت تحریریه

اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز

روز ۲۸ بهمن بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، کرخه و هفت تپه در ادامه اعتراضات تا کنونی به فقر و شرایط نا مساعد حقوق و هزینه های گران زندگی، در اعتراض به فقر و گرانی، فساد و دزدی و با شعار "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون" درمقابل فرمانداری شوش دست به اعتراض زدند.

یکشنبه ۵ اسفند اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی

روز یکشنبه ۵ اسفند بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل سازمان تامین اجتماعی در تهران برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع اعتراض زدند. بازنشستگان می گویند که ما با انبوهی از مطالبات بر زمین مانده کماکان به اعتراض خود ادامه می دهیم. کار ما از امید بستن به مدیران و مسئولان نالایق و بی کفایت گذشته و با فقری که نهادهای مسئول به بازنشستگان تحمیل کرده اند، ما به اعتراض و پیگیری مطالبات خود ادامه می دهیم. خواست بازنشستگان تامین اجتماعی، افزایش دستمزد طبق سبد معیشت به تناسب نرخ تورم، اجرای ماده ۹۶ و ۴۱ قانون کار، اجرای قانون الزام درمان و لغو بیمه های تکمیلی، پرداخت عیدی حداقل دو ماه حقوق مانند کارگران و ما خواهان آزادی اسماعیل گرامی و نوروز نبیجی هستیم از اعم مطالبات بازنشستگان تامین اجتماعی است.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نساجی بروجرد

ازروز شنبه ۲۷ بهمن تا دوشنبه ۲۹ بهمن کارگران کارخانه نساجی بروجرد واقع در ابتدای جاده کمربندی این شهر برای تحقق مطالبات خود فعالیت تولیدی را متوقف کرده و دست به اعتراض زدند. خواست این کارگران پرداخت سه ماه و ۱۵ روز معوقات مزدی و بیمه ای است که کارگران با بی توجهی و عدم پرداخت آن از طرف کارفرما مواجه هستند. علاوه بر این به دلیل عدم پرداخت حق بیمه کارگران از جانب کارفرما برای چندین ماه، کارگران و خانواده آنان با مشکل دریافت خدمات درمانی روبرو شده اند.

اعتراض و تجمع همکاران ارکان ثالث در پالایشگاه گاز فجر

سه شنبه ۳۰ بهمن همکاران ارکان ثالث در پالایشگاه گاز فجر با شعار "کارگر می میرد" ذلت نمی پذیرد" برای تحقق مطالبات خود دست به اعتراض زدند. مطالبات کارگران شامل، افزایش دستمزد، حذف شرکتهای پیمانکاری، همانسازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر و امنیت شغلی است.

اعتراض همکاران رسمی در شرکت فلات قاره در لاوان

روز دوشنبه ۲۹ بهمن همکاران رسمی در شرکت فلات قاره در لاوان برای تحقق مطالبات خود دست به اعتراض زدند. خواستهای این کارگران حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج کردن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای بازنشستگی و پرداخت کامل سنون کارگران است.

اعتراض همکاران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر بیست و نهم بهمن کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر در ادامه اعتراضات تا کنونی و برای تحقق خواستهای خود دست به اعتراض زدند. اعتراض به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارگران مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای تصمیمات مجمع عمومی شرکت، پرداخت نشدن اضافه کاری و غیره می باشد. کارگران بارهای برای تحقق این مطالبات دست به اعتراض زده اما بیشتر آنان برآورده نشده اند.

۲۷ بهمن اعتراض سراسری بزانشستگان نفت مقابل وزارت نفت در

تهران

بنا به فراخوان بازنشستگان شرکت نفت، روز ۲۷ بهمن تعداد زیادی از بازنشستگان از شهرهای مختلف به استقبال این فراخوان رفتند و برای چندمین بار برای تحقق مطالبات خود در مقابل وزارت نفت در تهران تجمع و اعتراض بزرگی بر گزار کردند. این تجمع اعتراض ۸۵ هزار همکار بازنشسته شرکت نفت به بندر شدن هرروزه معیشتی بازنشستگان، اعتراض به طرح ادغام صندوق بازنشستگی شرکت نفت در سایر صندوقهای بازنشستگی و اختلاسها و دزدیها و محدودیت سقف بازنشستگی و حق سنوات است. بازنشستگان در این تجمع بزرگ شعار می دادند ما منتظر وزیر نفتیم، هیچ جا نمیرم، همینجا هستیم به اعتراض خود ادامه دادند. لازم به ذکر است که در تجمعات بازنشستگان در مقابل شرکت نفت بارها نیروهای سرکوب به آزار و دستگیری بازنشستگان پرداخته اند.

محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران از زندان اوین آزاد

شد

محمد حبیبی معلم مبارز که به دلیل اعتراض به مسمومیت سریالی دانش آموزان به شش ماه حکم ظالمانه محکوم شده بود، با پایان دوره محکومیت خود از زندان آزاد شد. محمد حبیبی در سالهای گذشته به دلیل اعتراض به وضعیت بدآموزش و سرکوب و اجحاف نسبت به فرهنگیان بارها دستگیر و محاکمه و زندانی شده است. ما خواهان تمام زندانیان سیاسی در بند از جمله معلمان مبارز در بند هستیم.

احضار هفت نفر از فعالان صنفی و اجتماعی شهر سنندج به دادگاه

سهراب جلالی، مختار اسدی، جمال اسدی، زهرا محمدی، فاطمه زندکرمی، کمال فکوریان، جمیل امینی، به اتهام اخلاص در نظم و آسایش عمومی به شعبه دوم بازپرسی دادراس عمومی انقلاب شهر سنندج احضار شده اند.

بیانیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر در محکومیت احکام صادره

برای اعضای انجمن استان فارس

به دنبال محکومیت چهار تن از اعضای انجمن صنفی معلمان استان فارس، شکراله احمدی، روح اله احمدی، گره گشا جان محمدی، و علی احمدی، اصغر امیر زادگان عضو انجمن صنفی معلمان استان فارس در دو پرونده به چهار سال حبس محکوم شده است. کانون صنفی معلمان استان بوشهر احکام صادره از جانب بیدادگاههای رژیم را محکوم کرده و همه فرهنگیان به عضویت در تشکلهای صنفی فرهنگیان برای تحقق مطالبات خود و آزادی معلمان در بند دعوت کرده است.

ادامه اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به قتل امیر محمد خالقی و

نامنی محیط دانشگاه

بعد از قتل امیر محمد خالقی دانشجوی دانشگاه تهران، اعتراض دانشجویان در چندین دانشگاه با تجمع و سخنرانی

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات...

بیانه کانون نویسندگان ایران در محکومیت اعدام فعالین سیاسی زندانی صدور احکام اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی و شریفه محمدی و به دنبال آنها احکام اعدام بهروز احسانی و مهدی حسنی و پس از آن منوچهر فلاح و پژمان سلطانی، آخرین حلقه‌های زنجیره‌ی اعدام‌هایی است که در چند دهه‌ی اخیر بی‌وقفه ادامه داشته است.

حاکمیتی که از ابتدای استقرار، حکم اعدام مخالفان را در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای صادر و پیکر اعدام‌شدگان را روانه‌ی گورهای بی‌نشان می‌کرد، هرگز چرخه‌ی وحشت‌زا و نفرت‌انگیز اعدام را متوقف نکرده است. امروز نیز، همچون گذشته، این‌گونه احکام در فقدان هرگونه دادرسی عادلانه و محرومیت محکومان از حق طبیعی دفاع، یعنی در شرایطی صادر می‌شود که زندانی در معرض تهدید و ارعاب و انواع فشارهای جسمی و روحی است، به وکلای بی‌طرف و انتخابی اجازه‌ی حضور یا دخالت واقعی و قانونی در دادرسی داده نمی‌شود؛ و زندانی نیز از دسترسی به دنیای بیرون و امکان فراهم آوردن مدارک و مستندات لازم برای دفاع از خود و برخورداری از هیئت منصفه‌ی مستقل یکسر محروم است و جلسات دادگاه پشت درهای بسته و بدون حضور مطبوعات و مردم برگزار می‌شود.

در «جرائم سیاسی» احکام اعدام دستاویزی برای کشتار مخالفان سیاسی در پوشش حقوقی، و در جرائم عمومی نیز واکنشی کور در برابر فجایی است که نظام حاکم، خود مسبب اصلی آنها است و در واقع قربانیان این ناهنجاری‌ها را به کیفر می‌رساند و این احکام بدون کمترین توجهی به ستم و بی‌عدالتی حاکم، شکاف طبقاتی ستمگرانه و دیگر علل و دلایل اجتماعی و اقتصادی و ناهنجاری‌های موجود صادر می‌شود.

کانون نویسندگان ایران از منظر مخالفت با نفس اعدام به‌عنوان یک مجازات- که به گواهی آمارهای موجود تاکنون نه در ارعاب جامعه در عرصه‌ی سیاسی، و نه در اصلاح و کاهش کثرت‌های اجتماعی در جرائم عمومی کمترین اثری داشته و به عکس، موجب تشدید و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی شده است- صدور احکام اعدام را محکوم می‌کند و خواهان توقف این ماشین نفرت‌انگیز تولید جسد و تشدید توحش، و لغو بی‌چون و چرای همه‌ی احکام اعدام صادره است.

صدور حکم اعدام برای پخشان عزیزی، وریشه مرادی، شریفه محمدی، بهروز احسانی، مهدی حسنی، منوچهر فلاح و پژمان سلطانی فقط گواهی آشکار بر استبداد و آزادی‌کشی حاکمیت است.
کانون نویسندگان ایران بهمن ماه ۱۴۰۳



احضار هفت نفر از فعالین صنفی و اجتماعی شهر سنندج



و صدور اطلاعیه در اعتراض به قتل این دانشجوی نا امنی و امنیتی کردن محیط دانشگاه ادامه داشته است. دانشجویان در یکشنبه ۲۸ بهمن در تجمع دانشگاه تهران به نا امنی و قتل امیر محمد خالقی که با ضربات چاقو به قتل رسیده ه تجمع اعتراض بر پا کردند. دانشجویان معترض در این تجمع می‌گویند که شب اول اعتراض به این جنایت، ماموران لباس شخصی به آنها حمله کرده و بینی یک دانشجو را شکسته و چهار دانشجو را بازداشت کرده اند و بعد بطور موقت ازاد شده اند. ناارامی به قتل این دانشجو و فضای اعتراضی در دانشگاه به نا امنی و امنیتی کردن دانشگاه هنوز بر دوام است.

اطلاعیه کمپین دفاع از شریفه محمد فعال کارگری

تائید حکم اعدام شریفه محمدی و تداوم سرکوب حکومتی سیاست سرکوب و ارعاب رژیم با صدور مجدد حکم اعدام برای شریفه محمدی فعال کارگری خوشنام ادامه دارد. این حکم ۲۵ بهمن ماه همزمان با تولد پسر ۱۳ ساله شریفه به روئیت وکلای او رسید. سرکوب و صدور احکام اعدام انتقام حاکمیت از فعالین سیاسی اجتماعی و مردم معترض است.

حکم اعدام شریفه محمدی تنها یک نمونه از موج سرکوب‌هاست. در کنار او، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و ده‌ها فعال سیاسی و اجتماعی دیگر نیز با خطر اعدام مواجه‌اند.

اما این سیاست سرکوب، مردم را از مبارزه باز نمی‌دارد. اعتراضات خیابانی، اعتصاب‌های کارگری، زنان، بازنشستگان، پرستاران و دانشجویان، هر روز در نقاط مختلف کشور طنین‌انداز است.

در دور اول صدور حکم اعدام شریفه محمدی، اعتراضات گسترده موجب شد تا دیوان عالی کشور رأی به نقض آن دهد. این‌بار نیز در برابر حکم مجدد، با اعتراضات قاطع‌تری روبرو خواهند شد. چنین احکامی باید برای همیشه متوقف شوند.

حکم اعدام شریفه محمدی، به عنوان یک فعال علنی کارگری و زنان، نمادی است از دشمنی آشکار حکومت با "جنبش زن زندگی آزادی" و تشکل یابی. این حکم به طور آشکار با هدف خاموش کردن صدای فعالین صنفی و مدنی صادر شده است.

راه مقابله با این سرکوب، گسترش همبستگی ما است. از آکسیون‌های اعتراضی گرفته تا همراهی با خانواده‌های محکومان به اعدام، صدور بیانیه، و جلب توجه فعالین و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی. هر اعتراضی می‌تواند گامی در مسیر لغو این احکام ظالمانه باشد.

تنها با اتحاد گسترده جنبش‌های اجتماعی می‌توان بساط اعدام، سرکوب و ارعاب را برچید و آینده‌ای مبتنی بر آزادی و عدالت را رقم زد. از تمام نهادها، سازمان‌ها و مردم آزادی‌خواه در سراسر جهان می‌خواهیم که در برابر این جنایات حکومتی، یک‌صدا و متحد شوند.

ما، به عنوان کمپین دفاع از شریفه محمدی، نمی‌توانیم خشم خود را از تأیید مجدد این حکم سراسر غلط و مغرضانه پنهان کنیم. اعلام می‌کنیم که نهمتها ناامید نشده و ساکت نمی‌نشینیم بلکه با انرژی مضاعف این مسیر را ادامه خواهیم داد. به قول محمود صالحی، موسس و عضو سابق کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ما بی‌شماریم و تمام‌مقد در مقابل این بی‌شمی قضایی و تاریخی خواهیم ایستاد.

کمپین دفاع از شریفه محمدی

بهمن ماه ۱۴۰۳

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

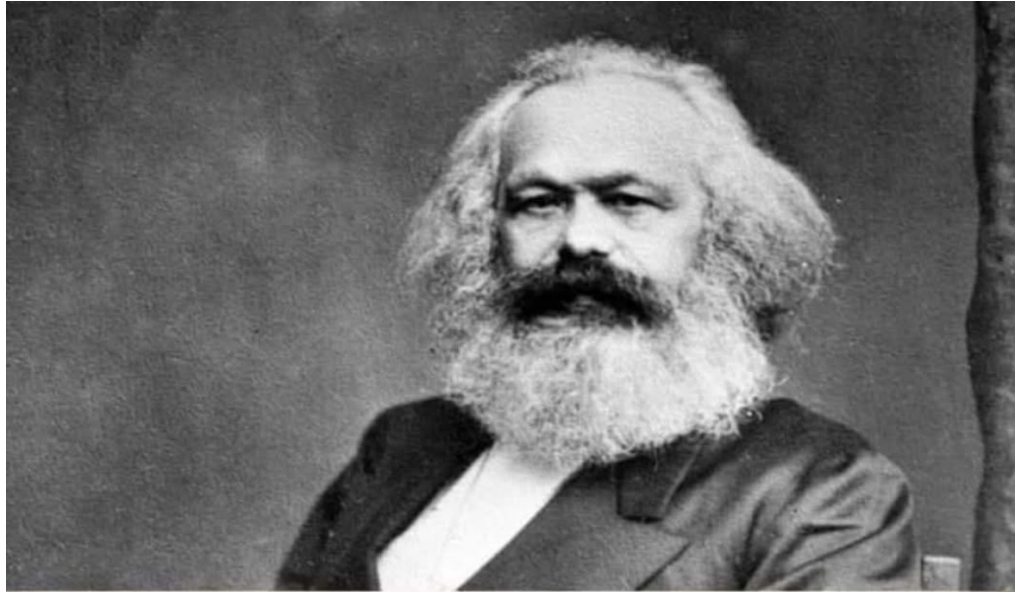
دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.Uk

هیئت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی،
پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله
طاهری، ناصر مرادی



ضرورت انقلاب نه فقط از این روست که طبقه‌ی
حاکم را با هیچ وسیله‌ی دیگری جز انقلاب نمی‌توان
سرنگون کرد، بلکه همچنین از این رو، که طبقه‌ی
سرنگون کننده تنها در یک انقلاب است که موفق
می‌گردد تا گریبان خود را از تمام کثافات کهنسال
نظام‌های قبلی رها کرده و قابلیت بنیان نهادن و
ساختن جامعه‌ای نوین را کسب نماید.

آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصور همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دایماً بعنوان شاخص‌های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده‌اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته‌اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص‌ها قرار دارند.

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

نفسی کمونیست

برنامه‌های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!